

خاطرات آزاده مهدی طحانیان

قسمت ۲۲

عراقی‌ها تانک روشن را رها کرده و رفته بودند تانک را دور زدم. دنیال سنگری، گودالی، می‌گشتم تا بنای بگیرم از در جیزی شیشه یک سنگر یا دیوار تخریب شدید بود. به سمت رفت. یک دفعه از تعجب خشکم زد و ناخداگاه چند قدم عقب رفت. یک عراقی که به طرز باورکننده هیکل بزرگ داشت متناسی شده باده باشد که شدید و نفس گیر در کنار غرش بی وقفه هوایها و بارش خمپاره‌ها، رود او که به بکیگر وصل بود بیرون ریخته بود و آویزان بود. هله مری و نای او به قدری کلفت بود که به یاد سلنج گرفت. آتش شناسی اتفاق نمی‌افتد. برای من هیجان اینگی بود.

آتش شناسی اتفاق نمی‌افتد. برای من هیجان اینگی بود. آن روز با غده باتک شدید و نفس گیر در کلاه سرش بود و سرش پیشیده بود به سینه اش، توانست سورش را بینم. یک صدای خوشابنده هم می‌داند شیشه صدای

به سرعت از او فاصله گرفت و برگشتم به سمت عراقی‌ها که در حال فرار و کاملاً در تیررس ما بودند. شروع به تیراندازی کرد. چیزی نگذاشت که دیدم یک موشک بزرگ، پرتاب می‌شد و با رسوسای زیاد در اطراف به سمت این اینست. این روز داشتم. یاد از آسان جوکاری می‌گردد.

نصف روز ما را اینجا نگاه داشتند بدن آب و غذا. بعد دوباره اتوبوس آمدند و سوار شدیم. مهماتی که داخش بود منفر و هزار تن تکه شد. تکه‌های رازیک سوی شست به سوی دیگر باده از این روز داشتند. یک صدای خوشابنده هم می‌داند شیشه صدای

دویم، موشک خود را به تیراندازی کرد. چیزی نگذاشت که دیدم یک موشک بزرگ،

مسقیم به سمت جایی می‌ایند که ایستاده بودم.

لطفایی اینجا شده بود که دفعه از جند

اهواز را مهمنش انجام شده بود و انسجام دادن به

نیروها کار راحتی نبود. تک تیراندازهای عراقی با همان شکننده این روز اینجا بودند. همه اینها را می‌زنند. به راحتی نمی‌شند

بفهمی کجا پنهان شده‌اند. یک دفعه یک نفر

در دم شدید می‌شد. در حالی که پایین خاکریز

هم بود و کاملاً جان پنهان داشتم. یادم هاست

آنقدر بجهه‌ها پشت خاکریز شهید شدند که یکی از اینها را می‌زنند. به راحتی نمی‌شند

از اینها که توانسته باشند که اینجا بودند. یک دفعه یک نفر

از فرماندهان باشند. یک دفعه یک نفر

اهواز را مهمنش انجام شده بود و انسجام دادن به

نیروها کار راحتی نبود. تک تیراندازهای عراقی با همان شکننده این روز اینجا بودند. همه اینها را می‌زنند. به راحتی نمی‌شند

در پرتاب می‌شد و با رسوسای زیاد در اطراف به

زخمی اصابت می‌کرد. هیچ کاری جز توکل بر خدا نمی‌توانست بکنم. با دو دست، حکم سرم را گرفته بودم.

رفته بجهه‌ها رسیند و کل خاکریز و

جاده اهواز - خرمشهر به تصرف در آمد.

عملیات آزادسازی جاده وسیع در طول جاده

اهواز را مهمنش انجام شده بود و انسجام دادن به

نیروها کار راحتی نبود. تک تیراندازهای عراقی با نامده بجهه‌ها را می‌زنند. به راحتی نمی‌شند

بفهمی کجا پنهان شده‌اند. یک دفعه یک نفر

در دم شدید می‌شد. در حالی که پایین خاکریز

هم بود و کاملاً جان پنهان شده بودند. نیکهایان را

از اینها که توانسته باشند که اینجا بودند. یک دفعه یک نفر

از فرماندهان باشند. یک دفعه یک نفر

اهواز را مهمنش انجام شده بود و انسجام دادن به

نیروها کار راحتی نبود. تک تیراندازهای عراقی با همان شکننده این روز اینجا بودند. همه اینها را می‌زنند. به راحتی نمی‌شند

از اینها که توانسته باشند که اینجا بودند. یک دفعه یک نفر

اهواز را مهمنش انجام شده بود و انسجام دادن به

نیروها کار راحتی نبود. تک تیراندازهای عراقی با همان شکننده این روز اینجا بودند. همه اینها را می‌زنند. به راحتی نمی‌شند

از اینها که توانسته باشند که اینجا بودند. یک دفعه یک نفر

اهواز را مهمنش انجام شده بود و انسجام دادن به

نیروها کار راحتی نبود. تک تیراندازهای عراقی با همان شکننده این روز اینجا بودند. همه اینها را می‌زنند. به راحتی نمی‌شند

از اینها که توانسته باشند که اینجا بودند. یک دفعه یک نفر

اهواز را مهمنش انجام شده بود و انسجام دادن به

نیروها کار راحتی نبود. تک تیراندازهای عراقی با همان شکننده این روز اینجا بودند. همه اینها را می‌زنند. به راحتی نمی‌شند

از اینها که توانسته باشند که اینجا بودند. یک دفعه یک نفر

اهواز را مهمنش انجام شده بود و انسجام دادن به

نیروها کار راحتی نبود. تک تیراندازهای عراقی با همان شکننده این روز اینجا بودند. همه اینها را می‌زنند. به راحتی نمی‌شند

از اینها که توانسته باشند که اینجا بودند. یک دفعه یک نفر

اهواز را مهمنش انجام شده بود و انسجام دادن به

نیروها کار راحتی نبود. تک تیراندازهای عراقی با همان شکننده این روز اینجا بودند. همه اینها را می‌زنند. به راحتی نمی‌شند

از اینها که توانسته باشند که اینجا بودند. یک دفعه یک نفر

اهواز را مهمنش انجام شده بود و انسجام دادن به

نیروها کار راحتی نبود. تک تیراندازهای عراقی با همان شکننده این روز اینجا بودند. همه اینها را می‌زنند. به راحتی نمی‌شند

از اینها که توانسته باشند که اینجا بودند. یک دفعه یک نفر

اهواز را مهمنش انجام شده بود و انسجام دادن به

نیروها کار راحتی نبود. تک تیراندازهای عراقی با همان شکننده این روز اینجا بودند. همه اینها را می‌زنند. به راحتی نمی‌شند

از اینها که توانسته باشند که اینجا بودند. یک دفعه یک نفر

اهواز را مهمنش انجام شده بود و انسجام دادن به

نیروها کار راحتی نبود. تک تیراندازهای عراقی با همان شکننده این روز اینجا بودند. همه اینها را می‌زنند. به راحتی نمی‌شند

از اینها که توانسته باشند که اینجا بودند. یک دفعه یک نفر

اهواز را مهمنش انجام شده بود و انسجام دادن به

نیروها کار راحتی نبود. تک تیراندازهای عراقی با همان شکننده این روز اینجا بودند. همه اینها را می‌زنند. به راحتی نمی‌شند

از اینها که توانسته باشند که اینجا بودند. یک دفعه یک نفر

اهواز را مهمنش انجام شده بود و انسجام دادن به

نیروها کار راحتی نبود. تک تیراندازهای عراقی با همان شکننده این روز اینجا بودند. همه اینها را می‌زنند. به راحتی نمی‌شند

از اینها که توانسته باشند که اینجا بودند. یک دفعه یک نفر

اهواز را مهمنش انجام شده بود و انسجام دادن به

نیروها کار راحتی نبود. تک تیراندازهای عراقی با همان شکننده این روز اینجا بودند. همه اینها را می‌زنند. به راحتی نمی‌شند

از اینها که توانسته باشند که اینجا بودند. یک دفعه یک نفر

اهواز را مهمنش انجام شده بود و انسجام دادن به

نیروها کار راحتی نبود. تک تیراندازهای عراقی با همان شکننده این روز اینجا بودند. همه اینها را می‌زنند. به راحتی نمی‌شند

از اینها که توانسته باشند که اینجا بودند. یک دفعه یک نفر

اهواز را مهمنش انجام شده بود و انسجام دادن به

نیروها کار راحتی نبود. تک تیراندازهای عراقی با همان شکننده این روز اینجا بودند. همه اینها را می‌زنند. به راحتی نمی‌شند

از اینها که توانسته باشند که اینجا بودند. یک دفعه یک نفر

اهواز را مهمنش انجام شده بود و انسجام دادن به

نیروها کار راحتی نبود. تک تیراندازهای عراقی با همان شکننده این روز اینجا بودند. همه اینها را می‌زنند. به راحتی نمی‌شند

از اینها که توانسته باشند که اینجا بودند. یک دفعه یک نفر

اهواز را مهمنش انجام شده بود و انسجام دادن به

نیروها کار راحتی نبود. تک تیراندازهای عراقی با همان شکننده این روز اینجا بودند. همه اینها را می‌زنند. به راحتی نمی‌شند

از اینها که توانسته باشند که اینجا بودند. یک دفعه یک نفر

اهواز را مهمنش انجام شده بود و انسجام دادن به

نیروها کار راحتی نبود. تک تیراندازهای عراقی با همان شکننده این روز اینجا بودند. همه اینها را می‌زنند. به راحتی نمی‌شند

از اینها که توانسته باشند که اینجا بودند. یک دفعه یک نفر

اهواز را مهمنش انجام شده بود و انسجام دادن به

نیروها کار راحتی نبود. تک تیراندازهای عراقی با همان شکننده این روز اینجا بودند. همه اینها را می‌زنند. به راحتی نمی‌شند

از اینها که توانسته باشند که اینجا بودند. یک دفعه یک نفر

اهواز را مهمنش انجام شده بود و انسجام دادن به

نیروها کار راحتی نبود. تک تیراندازهای عراقی با همان شکننده این روز اینجا بودند. همه اینها را می‌زنند. به راحتی نمی‌شند

از اینها که توانسته باشند که اینجا بودند. یک دفعه یک نفر

اهواز را مهمنش انجام شده بود و انسجام دادن به

نیروها کار راحتی نبود. تک تیراندازهای عراقی با همان شکننده این روز اینجا بودند. همه اینها را می‌زنند. به راحتی نمی‌شند

از اینها که توانسته باشند که اینجا بودند. یک دفعه یک نفر

اهواز را مهمنش انجام شده بود و انسجام دادن به

نیروها کار راحتی نبود. تک تیراندازهای عراقی با همان شکننده این روز اینجا بودند. همه اینها را می‌زنند. به راحتی نمی‌شند

از اینها که توانسته باشند که اینجا بودند. یک دفعه یک نفر

اهواز را مهمنش انجام شده بود و انسجام دادن به

نیروها کار راحتی نبود. تک تیراندازهای عراقی با همان شکننده این روز اینجا بودند. همه اینها را می‌زنند. به راحتی نمی‌شند

از اینها که توانسته باشند که اینجا بودند. یک دفعه یک نفر

اهواز را مهمنش انجام شده بود و انسجام دادن به

شیر خونین یال

داد باران این خبر با غرش رگبارها
عاقبت کشند شیر غزه را تاتواه
گرچه چون نی در خروش امده جهان از داغ او
تا ابد پیچد نفیرش در دل نیزارها
شد فک، مبهوت شیر خفته و بر نعش او
حال عالم را به هم زد زوزه کفتارها
خود پی این بود عمری، چون که می‌دانست نیست
جز شهادت، جاماهی زینده‌سی سدرارها
قاتلان از کشتاهش ترسان، ولی آسوده بود
در دل ویرانه حتی چون سپه‌سالارها
خون او هر چند یاقوتی است بر تاج حمام
لکه ننگی است بر دامان سازشکارها
سرزمهین نخل و زیتون سر نخواهد کرد خم
تا خاک قدس خیزد مین تمaraها
آزویم این چنین مرگی است با چشمانت باز
مست خوابی ناز چون او در دل آوارها
شیر خونین یال من! از غرش مردانه
باخت لرزید با اینه جنگ‌افزارها
زنده‌ی جاویدی اما خیل غاصب، روز و شب
خفته در تابوت هر آذیر، چون مردارها
روی هم فردا تلبای است نعش غاصبان
غرب وحشی! هرچه داری رو کن از انبارها
کربلا را کرده‌ای تکرار، اما دیر نیست
تا بیتفتی عاقبت در پنجه مختارها
در فلسطین، سنگ‌ها مشتاق سر کوپیدند
تا برون آسمان از سوراخ صهیون، مارها
داوتان خواهد شد این سروی که ایش داده‌اند
خون قاسم‌ها، حسن‌ها، هنیه‌ها، سنوارها

افشین علا
۱۴۰۳
مهر

جاج آقامصطفی در کنار حجم انبوه فالیت‌های سیاسی و کارهای مربوط به اداره دفتر امام، خود به تدریس و تدوین کتب علمی می‌پرداخت و به حدی از رشد در علوم عقلی و نقلي رسانیده بود که امام خمینی پس از رحلت مشکوک ایشان در نجف، او را «امید آینده اسلام» نامید. رشد پی‌ساقیه علمی و اقدامات عملی و فالیت‌های سیاسی حاج آقامصطفی از چشم بدخواهان امام و حتی دستگاه حاکم زیر پهلوی دور نبود و این همه تلاش در راستای پیشبرد اهداف نهضت امام خمینی، مخالفان امام را عصیانی می‌کرد.

ایت الله حاج آقا مصطفی خمینی، در نجف نیز در کنار مشغله‌های فراوان به تدریس و تدوین کتب سیاسی پرداخت، بطوریکه تقریباً یک دوره کامل علم «أصول» را تدریس کرد و هم‌زمان با تدریس، نظرات علمی خود را به رشتۀ تحریر درآورد که تنتجه آن کتاب شریف «تحریرات فی الاصول» است. حاج آقا مصطفی هنچنین در نجف به نگارش چندین کتاب فقهی پرداخت و در صدد بود مجموعه‌ای عظیم از مباحث فقهی را تحریر کرد و از این مجموعه فقهی که زحمت سیاسی را بابت آن متحمل شده بود به «الكتاب الكبير» تعبیر می‌کرد که متأسفانه رحلت نابهنه‌گام و مشکوک ایشان توفیق اتمام این مجموعه را همچون مجموعه اصول و تفسیر از ایشان گرفت.

سرایاجام در روز اول آبان ماه سال ۱۳۵۷ و در شرایطی که شب قبل از آن با فردی که گفته‌اش می‌شود از اروپا آمد و بود و با ایشان قرار ملاقات داشت، به صورت مشکوک و مهمنم

* حاج آقا مصطفی در کنار حجم انبوه
فالیت‌های سیاسی و کارهای مربوط به اداره دفتر امام، خود به تدریس و تدوین کتب علمی می‌پرداخت و به حدی از رشد در علوم عقلی و نقلي رسانیده بود که امام خمینی پس از ایشان در نجف، او را «امید آینده اسلام» نامید

به سوی آسمان عروج کرد و دنیای اسلام را از وجود خویش محروم نمود. بازتاب رحلت فرزند عالم و برومند امام خمینی، آغازی بر شعله‌ور شدن جریان انقلاب شد و مردمانی که انقلابیون و روحانیون هامی امام و نهضت اسلامی به مناسبت ارتحال و چهلم ایشان در شهرهای مختلف برگزار کردند هر کدام بر شعله‌های خشم انقلابی مردم مسلمان ایران افزود و در نهایت منجر به پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ می‌گردید. اینکه نقل است امام خمینی عروج ایت الله حاج آقا مصطفی خمینی را از طاف خفیه الهی تعبیر کردند، شاید نشانه‌ای از نوی این پیروزی بود.

به سوی آسمان عروج کرد و دنیای اسلام را از وجود خویش محروم نمود. بازتاب رحلت فرزند عالم و برومند امام خمینی، آغازی بر شعله‌ور شدن جریان انقلاب شد و مردمانی که انقلابیون و روحانیون هامی امام و نهضت اسلامی به مناسبت ارتحال و چهلم ایشان در شهرهای مختلف برگزار کردند هر کدام بر شعله‌ای خشم انقلابی مردم مسلمان ایران افزود و در نهایت منجر به پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ می‌گردید. اینکه نقل است امام خمینی عروج ایت الله حاج آقا مصطفی خمینی را از طاف خفیه الهی تعبیر کردند، شاید نشانه‌ای از نوی این پیروزی بود.

مبارز و مجاهد در مقام علم و عمل

به مناسبت سالروز عروج آیت الله حاج سید مصطفی خمینی

الفوائد والعلواد را به رشتۀ تحریر درآورد. فرزند عالم و برومند با تلاش‌هایی که برای منزوی کردن اسامی خمینی در کتاب اول و در حاشیه آن به بعضی نکات تاریخی

اما در کتاب اول و در حاشیه آن به بعضی نکات تاریخی

در نجف صورت می‌گرفت مقابله می‌کرد و از طرفی

مورد شد و پشتکار زیاد ایشان در تحصیل

به زبان علیه می‌گردید که در علم و عمل

نماین جوانی علاوه بر اجتهاد در فقه و اصول در علوم

نوای و پرجستگان حوزه‌های علمی بود که در مدتی کوتاه و

در سین جوانی علاوه بر اجتهاد در فقه و اصول در علوم

و نوای و پرجستگان حوزه‌های علمی بود که در مدتی کوتاه و

می‌دانستند. حاج آقا مصطفی در سال ۱۳۴۳ و پس از

تبیید امام خمینی به ترکیه مسئولیت همانگی و ارتباط

با انقلابیون را بر عهده گرفته بود، اما این موضوع تحمل

نشد و از سوی رژیم ستم‌شاهی پهلوی دستگیر و مانند پدر

به ترکیه تعیید گردید. در آن زمان ایشان ۳۴ سال داشت.

وی سپس به همراه امام از ترکیه به عراق تعیید شد.

در شرایط تبعید نیز همانگی و ارتباط

جوان امام خمینی که در داخل کشور بود کفایت و شایستگی

فرانوان از خود نشان داد. حاج آقا مصطفی در تبعید گاه،

فرصت را مقتمن شمرد و علاوه بر کسب فیض از محضر

مراد و استاد خویش (حضرت امام خمینی)، تلاش خود

اول آبان ماه، سالروز عروج ملکوتی آیت الله سید مصطفی خمینی فرزند عالم و برومند حضرت امام خمینی است. سید مصطفی در روز بیست و یکم آذرماه سال ۱۳۰۹ در شهر قم متولد گردید و زیر نظر مربی و معلمی مهمند شد. امام خمینی علاوه بر اجتهاد در فقه و اصول در علوم

و نوای و پرجستگان حوزه‌های علمی بود که در علم و عمل

نماین جوانی علاوه بر اجتهاد در فقه و اصول در علوم

و نوای و پرجستگان حوزه‌های علمی بود که در مدتی کوتاه و

می‌دانستند. حاج آقا مصطفی در سال ۱۳۴۳ و پس از

تبیید امام خمینی به ترکیه مسئولیت همانگی و ارتباط

با انقلابیون را بر عهده گرفته بود، اما این موضوع تحمل

نشد و از سوی رژیم ستم‌شاهی پهلوی دستگیر و مانند پدر

به ترکیه تعیید گردید. در آن زمان ایشان ۳۴ سال داشت.

وی سپس به همراه امام از ترکیه به عراق تعیید شد.

در شرایط تبعید نیز همانگی و ارتباط

جوان امام خمینی نیز همانگی و ارتباط

همچون زمانی که در داخل کشور بود کفایت و شایستگی

فرانوان از خود نشان داد. حاج آقا مصطفی در تبعید گاه،

فرصت را مقتمن شمرد و علاوه بر کسب فیض از محضر

مراد و استاد خویش (حضرت امام خمینی)، تلاش خود

* حاج آقا مصطفی در تبعید گاه، فرصت را مقتمن شمرد و علاوه بر کسب فیض از

حضرت امام و استاد خویش

(حضرت امام خمینی)، تلاش خود در

تالیف و تحریر کتب و رسائل علوم دینی

را همچون زمانی که در شهر قم حضور

داشت استمرار بخشید

در تالیف و تحریر کتب و رسائل علوم دینی را همچون

زمانی که در شهر قم حضور کتاب معتبر ایشان را همچون

حاصل آن دهها جلد کتاب معتبر علمی، فقهی، اصولی

و... بود.

حاج آقا مصطفی پیش از تبعید، در شهر قم کتاب هایی

از جمله ایجاد، القواعد الحکمی، القواعد المذاکر، حاشیه

بر الاسفار الاربعه، القواعد الرجایل و... را به رشتۀ تحریر درآورد

بود که برخی از آنها در زمرة کتب مقتمن شدندگان

شماره می‌روند، با این حال در تبعید کوتاه‌مدت ترکیه،

ایشان دو رسالت مهم به نامهای الواجیات فی الصلاة و الفوائد

در تالیف و تحریر کتب و رسائل علوم دینی را همچون

زمانی که در شهر قم حضور شمشادگان را همچون

حاصل آن دهها جلد کتاب معتبر علمی، فقهی، اصولی

و... بود.

حاج آقا مصطفی پیش از تبعید، در شهر قم کتاب هایی

از جمله ایجاد، القواعد الحکمی، القواعد المذاکر، حاشیه

بر الاسفار الاربعه، القواعد الرجایل و... را به رشتۀ تحریر درآورد

بود که برخی از آنها در زمرة کتب مقتمن شدندگان

شماره می‌روند، با این حال در تبعید کوتاه‌مدت ترکیه،

ایشان دو رسالت مهم به نامهای الواجیات فی الصلاة و الفوائد

در تالیف و تحریر کتب و رسائل علوم دینی را همچون

زمانی که در شهر قم حضور شمشادگان را همچون

حاصل آن دهها جلد کتاب معتبر علمی، فقهی، اصولی

و... بود.

حاج آقا مصطفی پیش از تبعید، در شهر قم کتاب هایی

از جمله ایجاد، القواعد الحکمی، القواعد المذاکر، حاشیه

بر الاسفار الاربعه، القواعد الرجایل و... را به رشتۀ تحریر درآورد

بود که برخی از آنها در زمرة کتب مقتمن شدندگان

شماره می‌روند، با این حال در تبعید کوتاه‌مدت ترکیه،

ایشان دو رسالت مهم به نامهای الواجیات فی الصلاة و الفوائد

در تالیف و تحریر کتب و رسائل علوم دینی را همچون

زمانی که در شهر قم حضور شمشادگان را همچون

حاصل آن دهها جلد کتاب معتبر علمی، فقهی، اصولی

و... بود.

حاج آقا مصطفی پیش از تبعید، در شهر قم کتاب هایی

از جمله ایجاد، القواعد الحکمی، القواعد المذاکر، حاشیه

بر الاسفار الاربعه، القواعد الرجایل و... را به رشتۀ تحریر درآورد

بود که برخی از آنها در زمرة کتب مقتمن شدندگان

شماره می‌روند، با این حال در تبعید کوتاه‌مدت ترکیه،

ایشان دو رسالت مهم به نامهای الواجیات فی الصلاة و الفوائد

در تالیف و تحریر کتب و رسائل علوم دینی را همچون

زمانی که در شهر قم حضور شمشادگان را همچون

حاصل آن دهها جلد کتاب معتبر علمی، فقهی، اصولی

و... بود.

حاج آقا مصطفی پیش از تبعید،

